



«ابلاغیه های قضایی، دریافت کمک هزینه معیشتی، دریافت سهمیه سوخت مضاعف و یا تهدید مبنی بر غیرفعال شدن ریجستری گوشی تلفن همراه و همچنین قطع یارانه معیشتی» مترصد کلاهبرداری از هموطنان هستند. رئیس مرکز امداد و فوریت های سایبری فتا فراجا گفت: مجرمان سایبری با این خیال که در ایام تعطیلات دسترسی هموطنان به دریافت خدمات انتظامی، قضایی و بانکداری دارای محدودیت است، فعالیت های مجرمانه خود را در این ایام گسترش می دهند. وی افزود: این در حالیست که در تعطیلات نیز ارائه خدمات انتظامی

## در تعطیلات مراقب مجرمان سایبری باشید

بر اساس تحلیل پرونده های قضایی و تجربیات کسب شده، ارسال پیامک حاوی لینک های آلوده از سوی مجرمان سایبری در روزهای پایانی هفته، افزایش می یابد. سرهنگ رامین پاشایی، رئیس مرکز امداد و فوریت های سایبری فتا فراجا در این باره اظهار داشت: همواره در ایام پایانی هفته و یا ایامی که منتهی به تعطیلات چند روزه در کشور، شاهد افزایش تحرکات مجرمان سایبری با سوءاستفاده از شرایط هستیم. وی ادامه داد: افراد سودجو با ارسال پیامک های حاوی لینک های آلوده با مضامین

تشر

۲ | ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم  
چهارشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۷۳



گفت و گو با سارقانی که مدعی طراحی برنامه طلاایاب شده

# سرقت در خون من است

باز هم می توانستیم سرقت های بیشتری کنیم، اما طمع من همه را لو داد و دستگیر شدیم.

۱ مردم طلاها را کجا مخفی می کردند؟

شاید باورتان نشود در گونی برنج، زیر تخت و لابه لای رختخواب ها بود و وقتی نزدیک می شدیم گوشی صدا می داد. در خانه ای در کمد دیواری صدای گوشی بلند شد، شاید باورتان نشود طلاها را داخل آستر یک کت قدیمی گذاشته و بعد آن را دوباره دوخته بودند.

۲ این بار آزاد شوی باز هم سراغ سرقت می روی؟

نه خسته شدم، عاقبتی ندارد. هرچی بدزدی یک روز گیر می افتی و باید رد مال کنی تا آزاد شوی. اوایلش برای هیجان این کار را می کنی، اما بعد دیگر فایده ای ندارد و معتاد می شوی و لذتی هم نمی بری. برای عادت می شود.

نتوانستند پیدا کنند.

۳ چه شد گیر افتادی؟

من خودم مالخر طلا داشتم، اما چون با همدستانم آشنا بود ترسیدم بگویند طلای بیشتری فروختم و رازم لو برود. به حمید دوستانم گفتم که برایم طلا فروش پیدا کند و مقداری سهم به او بدهم. بعد پشیمان شدم. چند وقت پیش گوشی دوست دختر حمید را برایش هک کردم که دوست دخترش را کنترل کند. گفتم معرفی طلا فروش به جای آن کاری که برایم کردم، اما او با پلیس تماس گرفت و رازم را لو داد و دستگیر شدم.

۴ به چند خانه دستبرد زدی؟

هفت سرقت از خانه های شمال شهر داشتیم و اگر لو نمی رفتیم با این روش

برنامه ای را طراحی کنیم که با نصب آن روی گوشی، محل های مخفی کردن طلاها را شناسایی کنیم. تا اینجای کار را خوب پیش رفتم و باید باندی تشکیل می دادم. این کار تنهایی خطرناک بود.

۵ چطور با اعضای باند آشنا شدی؟

اغلب آنها هم بندی من در زندان بودند. نقشه ام را برایشان تعریف کردم. اول باورشان نمی شد، اما وقتی دیدند چنین برنامه ای طراحی کردم، قبول کردند با من همکاری کنند. هوا که تاریک می شد کار خود را شروع می کردیم. خانه هایی که چراغشان خاموش بود را شناسایی کرده و زنگ می زدیم. اگر کسی جواب نمی داد، با دیلم در را باز کرده و وارد آنجا می شدیم و سرقت را انجام می دادیم.

۶ نمی ترسیدید دستگیر شوید؟

خیر. ما دستکش، نقاب و کلاه داشتیم و فقط چشمانمان معلوم بود و پلیس با یک چشم نمی تواند دزد بگیرد. سابقه این سال ها زندان باعث شده بود محتاط و با برنامه عمل کنیم تا از خودم ردی باقی نگذارم.

۷ چقدر از سرقت ها گیر آمد؟

خیلی بود. چون من سر همدستانم هم با هک کردن تلفن هایشان کلاه گذاشتم و طلای بیشتری در سرقت ها بر می داشتم. من این برنامه را نوشته و بلد بودم چه کار کنم تا قطع شود. در بعضی خانه ها که مطمئن بودم طلا زیاد است، سیستم آنها را قطع می کردم و بعد خودم طلاها را بر می داشتم. آنها هم فکر می کردند طلایی نبوده که

مجید غمخور  
تپش

می گویند سرقت در خونسازی است و خودش را نابغه می داند و در سرقت هایی که طراحی کرده بود هیچ ردی از خودش برجای نمی گذاشت، اما نمی دانست وقتی سهم یکی از همدستانش را کم می دهد، او به پلیس راز سرقت ها را می گویند و لو می رود. در ادامه گفت و گو با این دزد حرفه ای و نابغه را می خوانید.

۱ خودت را معرفی کن

شاهین ۳۶ ساله هستم.

۲ سابقه دار هستی؟

بله. چند باری به خاطر سرقت از خانه ها دستگیر شدم. سرقت در خون من است و نمی توانم ترکش کنم. شاید ژنتیکی دزد هستم و در این کار بسیار حرفه ای ام.

۳ چطور به خانه ها دستبرد می زدی؟

قبل از آخرین بار مثل همه دزدان، خانه های خالی را شناسایی می کردم و با تخریب قفل وارد شده و اموال باارزش را سرقت می کردم.

۴ والان شگردت چه تغییری کرده؟

آخرین بار در زندان تصمیم گرفتم یک باند حرفه ای تشکیل بدهم. به خاطر این که به فضای مجازی و برنامه نویسی علاقه داشتم به فکر رسید که برنامه ای بنویسم تا با آن بتوانیم محل های طلا را پیدا کنیم. این قدر که کنجکاو بودم همه چیز را زود یاد می گرفتم، حتی چند سایت را هک کردم و حساب پدرم را هم خالی می کردم. وقتی آزاد شدم با هوش مصنوعی شروع به کار کردم و توانستم

